

بالا تر از کیمیاگری

دکتر محمدطیب صحرائی

شود خاک را طلا کند، به اندازه کار معلم ارزش آفرین نیست و این، یعنی کیمیاگری مواد، که از آرزوهای بزرگ بشر بوده است، در مقایسه با کیمیاگری انسان‌ها ناچیز و بی‌مقدار است. سه نکته مهم در این میان وجود دارد. نخست آنکه پیش و بیش از همه این خود معلم است که باید ارزش جایگاه خود و کاری را که برعهده گرفته است بدانند و براساس آن عمل و تربیت کند تا به تدریج و با صبر و حوصله جامعه نیز قدر دان واقعی زحمات و جایگاه او باشد. نکته دوم این است که ارتقای جایگاه و مقام معلم، یعنی ارتقای جایگاه و مقام علم و تفکر و عقلانیت در جامعه، و همه می‌دانیم، ارزشمندی تفکر و رونق آن در جامعه، یعنی تداوم حیات واقعی و رشد و تعالی مطلوب. زندگی انسانی یعنی زندگی با تعقل و تفکر، و جامعه، به میزان برخورداری از این موهبت، زنده است و پویایی دارد و هر قدر که نسبت به این موهبت فقیر و نادار است، رو به مرگ و نیستی دارد. بنابراین، اگر معلم و مربی در جامعه باید پاسدار حرمت و کرامت این جایگاه باشد، به خاطر شخص و نام خودش نیست، بلکه این رسالت را هم برای جامعه می‌پذیرد. سومین نکته این است که اگر دو مطلب پیشین مورد پذیرش باشد، آنگاه ما معلمان باید بپذیریم که سهم بزرگی از نگاه و عملکرد امروز جامعه به علم، معلم، ادب و سعادت، محصول کار ماست. بدون تردید، قسمت بزرگی از آنچه امروز در جامعه ما در این مقوله برداشت می‌شود، کاشته ماست. بنابراین، همکار فرهیخته‌ام، اگر برداشت‌های امروزمان از مزرعه جامعه خوب است، بیایید برای بهتر شدنش در آینده‌ای نه‌چندان دور، بهتر بکاریم. و اگر خدای ناکرده از برداشت محصول امروزمان راضی نیستیم، بیایید برای اصلاح آن بیشتر تلاش کنیم؛ بهتر بکاریم و بهتر مراقبت کنیم!

۵ به تصریح آیات متعدد قرآنی و روایات و نیز کلام بزرگان این عرصه، ادب و تربیت بر تعلیم و آموزش مقدم است و مسلح شدن انسان بی‌ادب به ابزار علم و مهارت، برای خود و جامعه‌اش خسارت‌بار خواهد بود. همواره یکی از دغدغه‌های مشترک جامعه معلمان و مربیان، اهتمام به ادب و تربیت نسل نوپا بوده و هست و در شرایط فعلی، این نگرانی و هشدار جدی است که اگر در شرایط کرونایی یا شرایط مشابه آن، مانند تعطیلات ناشی از آلودگی هوا

۱ یکی از هدایای ارزشمند الهی به انسان، امید و تلاش برای بهبود آینده است. به قول معروف، انسان‌ها به امید زنده‌اند و تا آخرین لحظه زندگی خود باید آن را پاس بدانند و رشد دهند. مهرماه برای مدرسه، برای معلم و برای دانش‌آموز هزار و یک حرف و حدیث دارد، اما یکی از مهم‌ترین‌هایش، ضرورت رویش و تقویت دوباره امید در زندگی علمی جامعه است.

۲ در جامعه ما، چه کرونا باشد و چه نباشد، وقتی تقویم اواخر شهریورماه را نشان می‌دهد، بوی ماه مهر می‌آید و دوباره بوی خوش مدرسه! ما معلم‌ها، مدرسه که می‌گوییم، دل‌مان هزار راه می‌رود؛ به یاد شادای‌ها و دل‌پره‌های کودکی و دانش‌آموزی خودمان تا همراهی‌های معلمان با دانش‌آموزان کوچک و بزرگی که در سال‌های مختلف شاهد قد کشیدن و بزرگ شدنشان بوده‌ایم. امسال کرونا در تمام ابعاد زندگی‌مان، از فردی و خانوادگی تا اجتماعی و شغلی، اثر گذاشته و ضرب شده است، اما به امید اینکه به یاری خداوند متعال و تلاش همگانی از این مرحله سخت عبور کنیم، مهرماه را با هم آغاز می‌کنیم. پس همکار گرامی‌ام سلام و خدا قوت!

امیدوارم سالم و سعادتمند باشید و چه حضوری و چه غیر حضوری، دانش‌آموزانتان از دریای زلال مهر و علم و پارسایی‌تان سیراب شوند و مسیر بیابند و حرکت کنند!

۳ از حرکت گفتم، چون معلم محور حرکت جامعه است و گام‌های علم و دین و تلاش جامعه با او تنظیم می‌شوند. اگر معلم نیاموزد، جامعه از کجا متخصص بیاورد؟ اگر معلم انسان‌ها را تربیت نکند، جامعه چگونه رشد کند؟ و اگر معلم راه را معرفی نکند، جامعه چگونه هدف خود را بیابد و راه را گم نکند؟ البته اگر چه می‌دانیم مقام و جایگاه معلمی بسیار وسیع و فراگیر است و هر انسان هوشمند و هدفمندی، می‌تواند به آن مفتخر شود، اما کسانی که تمام زندگی خود را وقف این راه کرده‌اند و اهتمام زندگی‌شان بر این سیاق قرار گرفته است، بسیار گرامی‌تر و گران‌بهارترند.

۴ هر عضو مفید و مؤثری از جامعه، برای ایجاد ارزشی افزوده در تلاش است و برای تولید پدیده‌ای یا تغییر حالتی اقدام می‌کند، اما به بیان رهبر فرزانه انقلاب، حتی اگر کسی موفق



بخشی از تعریف تربیت آمده است «... جهت تحقق آگاهانه و اختیاری مراتب حیات طیبیه در همه ابعاد». آیا دانش آموزی که سال‌ها منفعلانه و در نقش دریافت‌کننده قرار داده شده است، می‌تواند آگاهانه و از روی اختیار، مراتب حیات طیبیه را انتخاب کند؟ چکیده سخن آن است که یکی از رمزهای موفقیت ما در تربیت شایسته دانش‌آموزانمان در ارتباط حضوری و به‌ویژه در شرایط غیرحضوری، سرمایه‌گذاری روی تعاملی کردن فرایندهای مدرسه، چه در ابعاد آموزشی و چه در ابعاد تربیتی و پرورشی است. به یقین، مخاطبان عزیز تأیید می‌فرمایند که منظور از تعاملی شدن، ارائه درس از سوی معلم و پاسخ دادن دانش‌آموز به سؤالات امتحان نیست. تنها به‌عنوان یک اشاره می‌توان روی این پیشنهاد فکر کرد که: بیاییم در تمامی ابعاد کارهای آموزشی و تربیتی مدرسه، روی تولید توسط دانش‌آموزان قدری جدی‌تر حساب کنیم.

دانش‌آموز در هر زمینه‌ای که تولید کند، آن را بهتر یاد می‌گیرد و احساس بهتری را تجربه می‌کند. دانش‌آموز در هر زمینه‌ای که تولید کند، دل‌بستگی بیشتر و ماندگارتری خواهد داشت. و در نهایت اینکه، دانش‌آموز هر اندازه تولید کند، احساس مفیدبودن و عزت و کرامت نفس می‌کند و این یعنی «هویت‌بخشی» که قسمت دیگری از تعریف تربیت است. طبیعی است برای رسیدن به چنین هدفی، چه حضوری و چه غیرحضوری، نوع تدریس ما، نوع آزمون ما و نوع فعالیت‌های پرورشی ما باید بازخوانی و بازطراحی شود. چه خوب است در سال تحصیلی جدید این راه را جدی بگیریم.

۷ امسال شروع سال تحصیلی رنگ و بوی محرم و اربعین دارد. واقعاً نظام تربیتی سیدالشهدا منفعل‌پرور است یا نیروی فعال پرورش می‌دهد؟ دانش‌آموزان این مکتب، آگاهانه انتخاب می‌کنند، فعالانه عمل می‌کنند و برای کسب نمره قبولی، هر تولید خوبی که بتوانند، هر هنری که داشته باشند و هر مهارتی را که در چنته دارند، به میدان می‌آورند. کافی است این الگوی هزار و چهارصدساله را بشناسیم و ترجمه صحیح آن را به کار بندیم.

صلی الله علیک یا ابا عبدالله

و غیره، به هر شکل بتوانیم قدری و درصدی از نیازهای آموزشی فرزندان این مرز و بوم را پاسخ دهیم، برای نیاز حیاتی و ضروری ادب و تربیت آنان، چه تدابیر راهگشا و اثرگذاری وجود دارد؟ همه می‌دانیم که تربیت امری مری‌محور است و ارائه بهترین متن‌های تربیتی نیز نمی‌تواند به‌تنهایی نیاز فطری انسان را برای کمال‌جویی و تعالی پاسخ گوید. بنابراین، ضروری است از صدر تا ذیل وزارت آموزش و پرورش، از جمله هزاران معلم و مری‌پرتلاش و دغدغه‌مند و مدیران و تصمیم‌گیرندگان محترم، بی‌وقفه و هوشمندانه در پی تدابیر مفید، به‌موقع و قابل‌اجرا در این زمینه باشند.

۶ در سند مبانی نظری تحول بنیادین آموزش و پرورش، در تعریف تربیت چنین آمده است: «تربیت عبارت است از فرایند تعاملی زمینه‌ساز تکوین و تعالی پیوسته هویت متریبان، به صورتی یکپارچه و مبتنی بر نظام معیار اسلامی، به‌منظور هدایت ایشان در مسیر آماده شدن برای تحقق آگاهانه و اختیاری مراتب حیات طیبیه در همه ابعاد.»

بدون تردید، هر کدام از کلیدواژه‌های انتخاب‌شده در این تعریف می‌تواند مورد دقت و گفت‌وگوی کارشناسانه قرار گیرد، اما هم‌اکنون مهم‌تر این است که چگونه این تعریف در شرایط متفاوت و متغیر زندگی به اجرا درآید؟ برای مثال، توجه همکاران گرامی را به «فرایند تعاملی» جلب می‌کنم. با استفاده از واژه‌نامه‌هایی مانند «معین»، می‌توان گفت فرایند تعاملی یعنی مجموعه عملیات و مراحل دوسویه یا چندسویه برای رسیدن به یک هدف مشخص.

حال خواهشمندم همکاران عزیز به این پرسش‌ها توجه فرمایند: به نظر شما، آیا مجموعه اقدامات ما در مدرسه‌ها و کلاس‌هایمان، از نگاه فرایندی و تعاملی بودن نمره قابل‌قبول و شایسته دفاع می‌گیرد؟ آیا مریبان و متریبان ما واقعاً خود را در یک تعامل می‌یابند؟ در تحلیل رابطه مجموعه فعالان و اثرگذاران یک مدرسه، چند درصد دانش‌آموزان دریافت‌کننده‌اند و چند درصد تولیدکننده؟ به عبارت بهتر، شما جامعه دانش‌آموزی را در مدرسه‌های خود فعال ارزیابی می‌کنید یا منفعل؟ آنچه این پرسش‌ها را حیاتی‌تر می‌کند، این است که در